

برنامه رفتن به کربلا به خاطر مشکلاتی که داشته، در ابتدا چندان جدی نبوده است، اما این فکر دست از سر تعدادی از افراد گروه بر نمی دارد و آن ها به این باور می رسند که از پس این سفر دشوار و در عین حال لذت بخش بر می آیند. تعدادی از اعضای گروه به دلایل مختلف، امکان پای گذاشتن در این سفر را نداشته اند و عده ای هم نمی توانستند هم سفران و هم راکبان موافقی باشند؛ به همین خاطر در نهایت از یک گروه بیست نفره، تنها سه نفر برای رفتن، با هم همراه و یکدل و یک کلام می شوند: مرتضی، حسین و مهدی.

ما ۳ نفر با هم همراه شدیم و جمعمان جور شد

بعد از جدی شدن تصمیم سفر، مرتضی به اداره تربیت بدنی و هیئت دوچرخه سواری مراجعه می کند تا شاید بتواند امتیازاتی را برای سفرشان بگیرد. خودش می گوید: مثلاً می خواستیم نامه ای داشته باشیم تا از طریق آن در شهرهای محل عبورمان، اسکان رایگان بگیریم یا من خودم بتوانم با نامه تربیت بدنی، مرخصی کاری بگیرم اما هیچ کدام عملی نشد و تنها تسهیلاتی که گرفتیم، این بود که پلیس راه با ما همکاری کند و مانع سفرمان نشود؛ چون براساس شرایط جاده ای و جوی، پلیس راه می تواند مانع سفر دوچرخه سواران شود. این سه دوچرخه سوار هر کدام ویژگی خاصی دارند که دیگری ندارد و از قضا جمع شدنشان با هم و در کنار هم، می توانسته است سفر خوش و ایمنی را برایشان به ارمغان بیاورد. مرتضی که دوچرخه سوار است و رشته دانشگاهی اش نیز نقشه کشی بوده است، تجربیات خوبی در زمینه سفر با دوچرخه و تهیه نقشه مسیر دارد. مهدی نجف زاده نیز جهانگرد است. عراق سیزدهمین کشوری است که به آن پا می گذارد و با تمام پیچ و خم یک سفر آشناست. حسین علی میرزایی مربی فوتبال است و اطلاعات خوبی در آماده نگه داشتن قوای جسمی و نوع تغذیه دارد. مرتضی می گوید: «ما سه نفر با هم تلفیق شدیم و همه چیز جور شد. از دو ماه پیش تمرین های جدی مان را شروع کردیم. دوروز در هفته تمرین دوچرخه سواری می کردیم و دوروز هم به باشگاه می رفتیم و وزنه می زدیم.»

مهم ترین مشکل سفرمان، کمبود زمان بود

بزرگ ترین مشکل این سه دوچرخه سوار، برای سفر به کشور عراق، تنظیم مدت زمان سفرشان بوده است. مرتضی کارمند شرکت گاز است و حسین، مربی باشگاه؛ به همین دلیل نمی توانسته اند به راحتی کارشان را تعطیل کنند و با خیال راحت به سفر بروند. بیشترین درد دل مرتضی هم به همین مسئله بر می گردد: «حتی با مرخصی بدون حقوق من نیز موافقت نمی شد. ما زمان را از دست دادیم. اول قرار بود یکم آبان حرکت کنیم و هفدهم، یعنی یک روز پیش از اربعین، به کربلا برسیم. بعد که نتوانستیم زمان کافی را برای سفرمان خالی کنیم، برنامه را فشرده تر و یک بخش از سفر را حذف کردیم؛ به همین خاطر، تصمیم گرفتیم در مسیر رفت، با اتوبوس تا جنوب برویم و از آنجا سفرمان را شروع کنیم.»



گزارش سفر دوچرخه سوارانی که اربعین به کربلا رسیدند

پادر راکاب عشق

موقع، درست ۹ روز دیگر مانده است. تا به امروز هر چه تلاش کردیم با این سه جوان، درباره چگونگی سفرشان به عراق، صحبت کنیم، شرایط مهیا نمی شد بود. امروز بالاخره موفق می شویم با مرتضی لکزایی، چند ساعت پیش از شروع سفر، قرار گفت و گورا بگذاریم؛ در بوستانی نزدیک منزل مرتضی. او با لباس های ورزشی از راه می رسد، در حالی که می شود تب و تاب سفر را در چهره و حرف زدنش حس کرد. مرتضی ۱۰ سال است که به طور حرفه ای دوچرخه سواری می کند. او کارمند شرکت گاز است و همراه همکارانش، تیم دوچرخه سواری را از سه ماه پیش تشکیل داده اند تا هر جمعه به این ورزش بپردازند. در جریان همین برنامه جمعه ها بوده است که با حسین علی میرزایی آشنا می شود. علی میرزایی دوچرخه سواری است که در یکی از جمعه ها با تیم دوچرخه سواری شرکت گاز، هم مسیر شده و بعد هم به این گروه پیوسته است. مرتضی می گوید: دیدیم حسین از نظر جسمی و روحی، قوی است و او را جذب گروهمان کردیم. سفر به کربلا هم، پیشنهاد حسین بود.

کیمیا استاد - مرتضی لکزایی سی و دو ساله، حسین علی میرزایی سی و شش ساله و مهدی نجف زاده سی و پنج ساله، سه جوان دوچرخه سوار بودند که تصمیم گرفتند امسال، برای اولین بار، اربعین خود را در حرم امام حسین (ع) سپری کنند. ویژگی متفاوت سفرشان این بود که از شلمچه، سوار بر دوچرخه شدند و کشور عراق را راکاب زنان پیمودند تا به گفته خودشان، به نقاط بیشتری از این اقلیم بروند و با نگاهی عمیق تر، این سفر مذهبی را تجربه کنند؛ چون سرعت حرکت با دوچرخه، چهار تا پنج برابر پیاده رفتن است. مرتضی و حسین ساکن قاسم آباد هستند و مهدی ساکن بولوار فرامرز عباسی است. آن ها گزارش کوتاه این تجربه متفاوت را با سه روایت قبل از سفر، حین سفر و بعد از سفر با مخاطبان شهرآرامجله به اشتراک گذاشتند.

سه شنبه نهم آبان؛ صبح روز حرکت

قرار است امروز مرتضی، حسین و مهدی راهی سفر کربلا شوند تا روز اربعین در حرم امام حسین (ع) حضور داشته باشند. تا آن